

۱۶ / ۹ / ۱۳۷۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

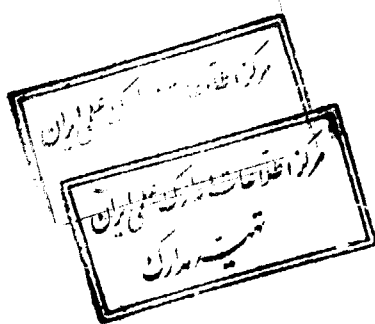
نقش بصره در روابط ایران و عثمانی از معاهده زهاب تا

معاهده دوم ارزروم

(۱۲۶۳-۱۰۴۹هـ.ق / ۱۸۴۷-۱۶۳۹م)

بوسیله:

غلامحسین نظامی



پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی

لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

تاریخ

از

دانشگاه شیراز

شیراز، ایران

9113 -

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضای اعضای کمیته پایان نامه:

دکتر غلامرضا وطن دوست، دانشیار بخش تاریخ.....

دکتر عبدالرسول خیراندیش، استادیار بخش تاریخ.....

دکتر سیدحسن موسوی، استادیار بخش تاریخ.....

Handwritten signature in a box with the word 'موسوی' (Mousavi) written below it.

شهریور ماه ۱۳۷۹

۳۱۴۴۴

تقدیم به:

پدر، مادر

و

همسر و فرزندانم

که با صبر و تحمل، مسیر تحصیل را

برایم هموار ساختند.

۳/۴۴۴

سپاسگزاری

این رساله به یاری خداوند و راهنماییهای اساتید بزرگوار بخش تاریخ دانشگاه شیراز به پایان رسید. لازم می‌دانم نخست از استاد ارجمند جناب آقای دکتر غلامرضا وطن دوست به عنوان استاد راهنما، که با دقت، صبر و حوصله چندین بار رساله حاضر را مطالعه کرده و با ژرف اندیشی دقیق، در تصحیح ساختار آن تلاش بی‌شائبه نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم.

از استاد و الامقام جناب آقای دکتر عبدالرسول خیراندیش که با ارشادات خردمندانه خود به خصوص در انتخاب عناوین و فصل اول این رساله، حقیر را یاری کرده است سپاسگزارم. بی‌شک دقت نظر ایشان راهگشای مشکلات این رساله بود.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سیدحسن موسوی که با امعان نظر و نکته‌سنجی دقیق، جزبه جزء این پایان نامه را مطالعه کرده و با پیشنهادات سازنده خود در تصحیح متن از نظر نگارشی و علمی کمک بی‌دریغ نموده‌اند بی‌نهایت سپاسگزاری می‌نمایم.

در پایان، از کلیه کسانی که به نحوی از انحاء در نگارش، تایپ و آماده سازی این پایان نامه از هیچ کوششی دریغ نکردند تشکر و سپاسگزاری می‌شود.

چکیده

نقش بصره در روابط ایران و عثمانی از معاهده زهاب تا معاهده دوم ارزروم

(۱۲۶۳-۱۰۴۹هـ.ق/۱۸۴۷-۱۶۳۹م)

توسط:

غلامحسین نظامی

توسعه روابط خارجی ایران از دوره صفویه یکی از موضوعات مهم تاریخ ایران است. در این میان روابط ایران و عثمانی جایگاه ویژه‌ای دارد که تقریباً با جنگ و جدل همراه بود و منطقه بین‌النهرین به ویژه بندر بصره یکی از موارد اختلاف دو کشور به شمار می‌رفت.

موقعیت مهم بندر بصره به عنوان بندر تجاری بین‌النهرین و واسطه تجارت اروپا با شرق همچنین عواید چشمگیر اقتصادی آن باعث توجه حکومت عثمانی به آن شهر شد. از طرفی بصره همواره رقیب اقتصادی بنادر ایران به شمار می‌رفت از این رو پادشاهان ایران با زوال تجارت و بازرگانی بنادر جنوب کشور به نفع بصره، این شهر را مورد حمله قرار می‌دادند.

با عقد معاهده زهاب (۱۰۴۹هـ.ق/۱۶۳۹م) بین ایران و عثمانی، بصره به طور رسمی در قلمرو عثمانی قرار گرفت ولی اندیشه بازپس‌گیری آن نزد ایرانیان همواره زنده ماند. ورود کمپانی‌های تجاری کشورهای اروپایی به خلیج فارس، اختلاف ایران و عثمانی را تشدید کرد که تجارت بصره یا بنادر جنوب ایران موضوع این اختلاف بود. تازش‌های پی‌درپی سپاه ایران به بصره در طول حکومت‌های صفوی، افشار و زندیه بیانگر عزم ملی ایرانیان برای بازپس‌گیری بصره بود که سرانجام در اواخر

حکومت کریم خان زند به نتیجه رسید. بعد از این رویداد، بصره اهمیت اقتصادی خود را به نفع بنادر جنوب ایران به ویژه بوشهر از دست داد. در دوره قاجار اختلافات ایران و عثمانی به عقد معاهده اول ارزروم (۱۲۲۸هـ/ق/۱۸۲۲م) و معاهده دوم ارزروم (۱۲۶۳هـ/ق/۱۸۴۷م) انجامید و تا حد زیادی اختلافات ایران و عثمانی درباره بصره و به طور کلی بین‌النهرین به پایان رسید.

این رساله شامل یک مقدمه و پنج فصل با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع فارسی، عربی و انگلیسی تدوین شده که امید است روشنگر بخشی از مجموعه روابط دو کشور باشد. بی‌شک آگاهی کامل از روابط ایران و عثمانی مستلزم تدوین چنین مجموعه‌ای در آینده می‌باشد که تا کنون تحقق نیافته است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ط	فهرست اسناد
۱	مقدمه
۲	۱- اهداف و پرسشهای پژوهش
۶	۲- پیشینه و اهمیت پژوهش
۷	۳- شرح منابع
۸	۳-۱- منابع فارسی
۸	۳-۱-۱- منابع دست اول تاریخی
۸	۳-۱-۲- مجموعه اسناد
۹	۳-۱-۳- تحقیقات معاصر
۱۰	۳-۱-۴- مقالات
۱۰	۳-۲- منابع خارجی
۱۰	۳-۲-۱- سفرنامه‌ها
۱۱	۳-۲-۲- کتب تاریخی
۱۱	۳-۲-۳- مقالات خارجی
۱۲	۳-۲-۴- منابع عربی، ترکی و انگلیسی
۱۴	فصل اول: بصره پیش از معاهده زهاب (۱۰۴۹هـ/ق ۱۶۳۹)

- ۱- بصره از پیدایش تا زمان شاه اسماعیل یکم صفوی ۱۵
- ۲- حکمرانی بیست و هفت ساله ایرانیان بر بصره (۹۴۱-۹۱۴هـ/ق-۱۵۳۴-۱۵۰۸م) ۲۰
- ۳- بصره در قلمرو عثمانی (۱۰۳۲-۹۴۱هـ/ق-۱۶۶۳-۱۵۳۴م) ۲۳
- ۳-۱- زوال سیاسی و اقتصادی بصره ۳۱
- ۳-۲- حکومت آل افراسیاب در بصره و تلاش ایران برای تصرف آن شهر ۳۴
- ۳-۳- جدال عثمانی با ایران برای تصرف بین‌النهرین ۳۸
- فصل دوم: جدایی رسمی بصره از ایران (۱۰۴۹هـ/ق-۱۶۳۹م) ۴۳**
- ۱- بصره پس از تصرف بغداد و معاهده زهاب ۴۵
- ۲- پایان حکومت آل افراسیاب بر بصره ۵۰
- ۳- بصره در دست ایرانیان، یک اتفاق یا نقشه حساب شده؟ ۵۷
- فصل سوم: بصره در برابر حملات پی‌درپی نادرشاه (۱۱۶۰-۱۱۴۵هـ/ق-۱۷۴۷-۱۷۳۲م) ۶۹**
- ۱- رونق دوباره اقتصادی بصره و اولین حمله ایران به آن شهر ۷۰
- ۲- دومین حمله ایران به بصره و واکنش انگلیسی‌ها ۷۵
- ۳- وضعیت بصره و بغداد پیش از آخرین حمله ایران ۷۸
- ۴- سومین تهاجم سپاهیان نادر برای تصرف بصره ۸۳
- فصل چهارم: کریم خان زند و بصره ۸۹**
- ۱- اوضاع سیاسی بصره و بغداد (۱۱۷۷-۱۱۶۰هـ/ق-۱۷۴۷-۱۷۳۲م) ۹۰
- ۲- رونق تدریجی بازرگانی و تجارت در بصره (۱۱۹۰-۱۱۷۷هـ/ق-۱۷۷۶-۱۷۶۳م) ۹۵
- ۳- انگیزه‌های کریم‌خان زند برای لشکرکشی به بصره ۱۰۵
- ۳-۱- مساله زوآر ایرانی ۱۰۷
- ۳-۲- دلایل سیاسی ۱۰۸

۳-۳- دلایل اقتصادی	۱۱۲
۳-۴- دلایل نظامی و موارد دیگر	۱۱۵
۴- تیرگی روابط ایران و عثمانی و تصرف بصره	۱۱۶
۴-۱- موضع اعراب منتفق، در حمله ایران به بصره	۱۱۹
۴-۲- واکنش انگلیسیها در برابر هجوم نیروهای به بصره	۱۱۹
۴-۳- کمک خوارج عمان به حاکم بصره در برابر حمله ایران	۱۲۱
۴-۴- دولت عثمانی و محاصره بصره	۱۲۳
۵- رخدادهای پس از تصرف بصره (۱۱۹۳-۱۱۹۰هـ/ق-۱۷۷۹-۱۷۷۶م)	۱۲۶
فصل پنجم: افول بصره تا جدایی کامل از ایران (۱۲۶۳-۱۱۹۳هـ/ق-۱۸۴۷-۱۷۷۹م)	۱۳۳
۱- تحولات سیاسی - اقتصادی بصره (۱۲۱۰-۱۱۹۴هـ/ق-۱۷۹۶-۱۷۸۰م)	۱۳۴
۲- بوشهر جانشین بصره	۱۳۹
۳- جدایی کامل بصره از ایران در معاهده دوم ارزروم (۱۲۶۳هـ/ق-۱۸۴۷م)	۱۴۴
نتیجه	۱۴۸
اسناد	۱۶۲
کتابنامه	۱۸۸
چکیده انگلیسی	

فهرست اسناد

صفحه	عنوان
۱۶۳	۱- متن صلحنامه شاه‌صفی در معاهده زهاب
۱۶۷	۲- متن صلحنامه سلطان مراد چهارم در معاهده زهاب (به زبان ترکی)
۱۷۳	۳- ماده‌ای از اصل صلحنامه سلطان مراد چهارم مربوط به جدایی بصره و بغداد از ایران
۱۷۴	۴- متن نامه سلطان حسین صفوی به سلطان مصطفی‌خان
۱۷۸	۵- متن عهدنامه کردان
۱۷۹	۶- متن قرارداد ویلیام پرایس و شیخ سعدون
۱۸۰	۷- متن عهدنامه اول ارزروم
۱۸۵	۸- متن معاهده دوم ارزروم

مقدمه

تاریخ پرماجرایی ایران زمین در بردارندهٔ حوادث و رویدادهای مهم و بزرگی است که هرکدام به نوبهٔ خود دارای ارزش و اعتبار است و آنگاه که این رویدادها با جهان خارج پیوند خورده بر اهمیت آنها افزون گردیده است. گسترش روابط سیاسی با کشورهای دیگر از دورهٔ صفوی به بعد، از موضوعات مهم تاریخ پانصد ساله اخیر ایران می‌باشد که در این رابطه مناسبات ایران و عثمانی جایگاه ویژه‌ای دارد. گسترش سریع امپراتوری عثمانی در مناطق اطراف آن و نقاط دور دست، با عنوان خلافت بر جهان اسلام و تمایل به حکومت برکل قلمرو کشورهای مسلمان باعث برخورد آن کشور با ایران شد.

به‌طور کلی همواره حالت خصمانه‌ای که به مدت چند قرن به طول انجامید، بر روابط ایران و عثمانی حاکم بوده است که حدود آن از آغاز حکومت صفویه تا عقد معاهدهٔ دوم ارزروم در سال ۱۲۶۳هـ ق/ ۱۸۴۷م می‌باشد. بی‌شک یکی از موارد اختلاف دو کشور، منطقه بین‌النهرین با مرکزیت بغداد بود. این سرزمین به دلیل موقعیت ویژه طبیعی و جغرافیای سیاسی، در طول تاریخ جایگاه تمدنهای کهن و محل برخورد افکار و اندیشه‌های گوناگون بوده است.

این منطقه در دورهٔ باستان طی قرون متمادی، تحت حکومت شاهان ایران بوده و بویژه در زمان ساسانیان که مرکزیت سیاسی امپراتوری ساسانی یعنی شهر تیسفون در قلب بین‌النهرین قرار گرفته بود، همواره برای حکومت‌های ایرانی اهمیتی به سزا داشت.

در پی گسترش اسلام در زمان خلیفه دوم (عمر) در خارج از قلمرو جزیره العرب، بین‌النهرین به تصرف مسلمانان در آمد و شهرهای جدیدی در آن منطقه ایجاد گردید که یکی از آنها بندر بصره بود.

بعدها بین‌النهرین به دلیل موقعیتی که در قلمرو اسلامی داشت،^۱ به عنوان مرکز حاکمیت خلفای عباسی انتخاب شد با حمله ایلخانان مغول به بغداد و سقوط آنجا در سال ۶۵۶ هـ ق/ ۱۲۵۸ م خلافت عباسیان فرو پاشید و بعد از آن بین‌النهرین در زمره قلمرو مغولان حاکم بر ایران یعنی ایلخانان قرار گرفت و پس از مغولان، آل‌جلائر، تیموریان، قراقویونلوها و آق‌قویونلوها بر بغداد و بصره حکومت کردند. از آن پس شاهان سلسله‌های ایرانی، بین‌النهرین را به عنوان بخشی از قلمرو ایران تلقی کرده و حکام بغداد و بصره را از طرف خود تعیین می‌کردند.

با پیدایش دولت عثمانی و ادعای سلاطین آن مبنی بر جانشینی خلفای عباسی، آن امپراتوری درصدد گسترش و تسلط بر زمینهای اسلامی برآمد. بنابراین در پی تحقق این اهداف، در دوره سلطنت شاه تهماسب صفوی، منطقه بین‌النهرین در سال ۹۴۱ هـ ق/ ۱۵۳۴ م به تصرف عثمانی‌ها درآمد. این رویداد منشأ برخوردهایی بین ایران و آن کشور شد که در طول حکومت سلسله‌های صفویه، افشار، زند و قاجار به مدت بیش از سه قرن به طول انجامید.

بندر بصره در جنوب بین‌النهرین و در مصب اروندرود به دلیل دسترسی به خلیج فارس و ترانزیت تجارت با هند، آسیای غربی و آسیای صغیر، جایگاه ویژه‌ای داشت و عواید چشمگیر حکام بصره از بازرگانی و تجارتي که از هند تا اروپا را دربر می‌گرفت باعث شد که پادشاهان ایران از صفویه به بعد با سلاطین عثمانی برای تسلط بر این بندر مهم درگیر شوند.

ایرانیان بصره را همانند شهرهای دیگر بین‌النهرین از نظر تاریخی جزو قلمرو ایران محسوب می‌نمودند بنابراین وقتی شاه‌اسماعیل یکم صفوی در آغاز سلطنت، بین‌النهرین را از امرای آق‌قویونلو گرفت، از جانب خود برای بصره حاکمی تعیین کرد

۱- قرار گرفتن بین ایران، شام، فلسطین و مکه و مدینه

ولی بیست و هفت سال بعد سال (۹۴۱هـ.ق/۱۵۳۴م) در زمان سلطان سلیمان قانونی، عثمانی‌ها این شهر و به طور کلی منطقه بین‌النهرین را تصرف کردند که حاکمیت آنها بر این منطقه نودسال به طول انجامید. در این زمان با وجود تمایل قبایل عرب شیعه مرکز و جنوب بین‌النهرین به حاکمیت ایران بر آن منطقه، بازپس‌گیری آن از عثمانی ممکن نشد، تا این که در اواخر سلطنت شاه‌عباس یکم صفوی بار دیگر مناطقی از بین‌النهرین از جمله شهر بغداد به تصرف ایرانیان درآمد. ولی به رغم تلاش سپاهیان ایران، بصره تصرف نشد. در این زمان آل‌افراسیاب به عنوان یک حکومت نیمه مستقل عربی از اوایل سلطنت شاه‌عباس یکم به مدت هفتاد سال بر بصره حکومت کردند. آنها هرچند به ظاهر تابع دولت عثمانی بودند، خطبه به نام سلطان عثمانی می‌خواندند و سکه را به نام وی ضرب می‌کردند ولی حکومت آنها نیمه مستقل بود. در زمان آنها بصره از نظر اقتصادی پیشرفت زیادی کرد و یکی از دلایل حملات ایران به بصره از آن زمان تا اواخر حکومت کریم خان زند این بود که همواره در پی افول و کساد بازار تجارت بنادر جنوب ایران، بصره پیشرفت داشت بنابراین شاهان ایران برای برگرداندن جریان تجارت و رونق بازرگانی به بنادر ایران بصره را آماج حملات خود قرار می‌دادند که این روش در طول سه قرن ادامه داشت. تا اینکه سرانجام در سال ۱۲۶۳هـ.ق/۱۸۴۷م با عقد معاهده دوم ارز روم بین ایران و عثمانی اختلاف دو کشور درباره بین‌النهرین به ویژه شهر بصره به پایان رسید. بعد از آن، هرچند گاهگاهی در گیریهای مختصر مرزی بین حکام سرحدی غرب ایران با پاشای بغداد رخ می‌داد، ولی دوره لشکرکشیهای بزرگ به سر آمد و دولتهای ایران و عثمانی براین معاهده استوار ماندند.

۱- اهداف و پرسشهای پژوهش

به طور کلی هدف این پایان‌نامه با عنوان نقش بصره در روابط ایران و عثمانی از معاهده زهاب ۱۰۴۹هـ.ق/۱۶۳۹م تا معاهده دوم ارز روم در سال ۱۲۶۳هـ.ق/۱۸۴۷م، دستیابی به پاره‌ای از علل و عوامل و ریشه‌های بنیادی در روابط ایران و عثمانی از

دوره شاه صفی صفوی تا محمدشاه قاجار است که منطقه بین‌النهرین به طور اعم و بندر بصره به طور اخص، نقش مؤثری در این رابطه داشته‌اند.

ریشه‌یابی نقش کمپانیهای اروپایی در رقابت اقتصادی بصره با بنادر جنوب ایران و تأثیر مسیر تجارت زمینی از طریق بصره به حلب و اروپا و راه دریایی خلیج فارس، از دیگر اهداف این رساله است. در این رابطه به ناآرامیها و شورش‌های منطقه‌ای در سواحل ایرانی خلیج فارس پرداخته شده که ریشه‌یابی تأثیر آنها در رونق یا نزول اقتصادی بنادر جنوب ایران و بصره و اختلافهایی که از این گذر بر روابط ایران و عثمانی به وجود می‌آید، هدف دیگری است که در این رساله دنبال می‌شود.

سؤال اساسی در این پایان‌نامه این است که اصولاً ریشه اختلافات دو‌یست‌ساله ایران و عثمانی درباره بصره چیست؟ در چه دوره‌هایی ایرانیان تلاش بیشتری برای تصرف بصره کرده‌اند؟ آیا هدف ایران از تصرف بصره مساله‌ای سیاسی و یا صرفاً اقتصادی بوده است؟

به نظر می‌رسد که رقابت تجاری یکی از مبانی روابط ایران و عثمانی را تشکیل می‌داد و تسلط سیاسی بر بصره و یا در اختیار گرفتن تجارت این بندر مایه بسیاری از اختلافات دو کشور بود و تلاشهای نظامی از دوره شاه‌عباس یکم صفوی تا پایان پادشاهی کریم‌خان زند بر این مبنا استوار بوده و یکی از اهداف پادشاهان ایران از حمله به بصره، برگرداندن جریان بازرگانی و تجارت از بصره به بنادر ایران بوده است در عین حال خواسته‌های مذهبی و سیاسی انگیزه‌های دیگری بودند که پادشاهان ایران در کل منطقه بین‌النهرین دنبال می‌کردند.

روش کار در انجام این رساله، کتابخانه‌ای است و با استفاده از کتابخانه‌های معتبر شهرهای تهران، شیراز و بوشهر صورت گرفته است. این پژوهش مبتنی بر پنج فصل است و هر فصل شامل بخشهایی است که رویدادهای سیاسی و اقتصادی بصره و منطقه بین‌النهرین و نقش آنها در روابط ایران و عثمانی را نشان می‌دهد:

فصل اول: تحت عنوان «بصره پیش از معاهده زهاب» شامل تاریخچه مختصری

از پیدایش شهر بصره و جغرافیای طبیعی و تاریخی این شهر و تطور تاریخ سیاسی آن از نخستین قرون اسلامی تا معاهده زهاب در دوره شاه صفی است که توجیه رویدادها و اختلافهای دو کشور را در فصول بعد آسان می‌کند.

فصل دوم: با عنوان «جدایی رسمی بصره از ایران» شامل وضعیت شهر بصره و

به طور مختصر منطقه بین‌النهرین است که در نتیجه عقده معاهده زهاب در سال ۱۰۴۹ هـ.ق/۱۶۳۹ م در قلمرو عثمانی قرار گرفت و موضع شاهان ایران از شاه صفی به بعد را در این رابطه نشان می‌دهد که به رغم آماده بودن زمینه مناسب برای تصرف بصره و بغداد، تمایلی به این کار نشان نمی‌دهند. از طرف دیگر درگیری عثمانی در جنگ با کشورهای اروپایی در این دوره باعث می‌شود که در حدود یک قرن بین دو کشور صلح برقرار باشد. رویداد مهم این فصل تصرف بصره در زمان شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۰۹ هـ.ق/۱۶۹۷ م است.

فصل سوم: تحت عنوان «بصره در برابر حملات پی‌درپی نادرشاه» نشان می‌دهد

که نادر برای باز پس‌گیری بین‌النهرین و بصره از عثمانی کوشش فراوان کرد و به دستور او بخشی از سپاهیان ایران سه بار شهر بصره را در محاصره گرفتند ولی هر بار به دلایلی موفق به تصرف آن نشدند. هر چند فتوحات نمایان نادر در شمال بین‌النهرین، عثمانی‌ها را به قدرت نظامی ایران واقف ساخت ولی بغداد و بصره به تصرف سپاه ایران در نیامد با این حال نادرشاه تا آخرین سال سلطنت خود از دنبال کردن مطالبات (سیاسی، مذهبی و اقتصادی) ایرانیان در منطقه بین‌النهرین دست نکشید.

فصل چهارم: موضوع این فصل «کریم خان زند و بصره» است که وضعیت بصره

و اوضاع سیاسی و اقتصادی بین‌النهرین را در فاصله سالهای ۱۱۶۰ هـ.ق/۱۷۴۷ م تا ۱۱۹۲ هـ.ق/۱۷۷۹ م نشان می‌دهد و محور اصلی آن انگیزه‌های کریم خان زند برای لشکرکشی و تصرف بصره است که این فصل با مرگ کریم‌خان زند و عقب‌نشینی سپاهیان ایران از بصره و کنترل مجدد عثمانی بر این شهر به پایان می‌رسد.

فصل پنجم: با عنوان «تسلط مجدد عثمانی‌ها بر بصره تا معاهده دوم ارزروم».

اوضاع بصره و بین‌النهرین و چالش‌های ایران و عثمانی را در این رابطه نشان می‌دهد همچنین بیانگر این نکته است که پس از تصرف بصره به وسیله سپاهیان کریم‌خان زند، این شهر راه زوال پیمود چنانکه کشورهای اروپایی تمایلی به تجارت به آن نداشتند و در عوض بوشهر، کویت و تا حدی بحرین رونق یافتند و سرانجام در دوره قاجار بوشهر به عنوان مهمترین بندر خلیج فارس مطرح شد بنابراین بصره دیگر به رونق گذشته باز نگشت و پادشاهان ایران مانند سابق تمایلی برای تسلط بر آن شهر نداشتند. با این حال اختلافات ایران و عثمانی در زمینه سیاسی و مذهبی در بین‌النهرین به حال خود باقی بود که سرانجام با عقده معاهده دوم ارزروم به پایان رسید.

۲- پیشینه و اهمیت پژوهش

به طور کلی درباره جایگاه بصره در روابط ایران و عثمانی بویژه در دوره دویست و چهارده ساله‌ای که موضوع این پایان نامه است، پژوهش مستقلی به صورت کتاب و یا مقاله صورت نگرفته است و منابع تاریخی دوره‌های صفویه، افشار، زند و قاجار تنها به طور مختصر و پراکنده اشاره‌هایی در این باره داشته‌اند که فاقد تحلیل و جمع‌بندی بوده و بیشتر در حد نگارش و ثبت وقایع کلی آن زمان بوده است. نویسندگان ایرانی معاصر نیز که از چند دهه پیش، کتابها و مقالاتی درباره سلسله‌های مذکور نوشته‌اند به همین اندازه بسنده کرده‌اند. ولی تحقیقات خارجی‌ها خاصه در مسائل اقتصادی بصره که مبتنی بر گزارشهای نمایندگان سیاسی و کمپانیهای تجاری آنها در آن شهر است روشنایی بیشتری به نقطه‌های تاریک گذشته بصره می‌دهد ولی باز به تنهایی روند مورد نظر این رساله را مشخص نمی‌کند.

بنابراین شناخت روابط دو کشور ایران و عثمانی که بیش از سه قرن (از صفویه تا پیمان دوم ارزروم) در جنگ و جدالهای بسیار تکیه داشت بدون اطلاع از زمینه‌ها و علل اختلاف که مهمترین آنها منطقه بین‌النهرین و بندر بصره است، ممکن نیست. این